

جستاری در نقد ادبیات نمایشی

یوسف فخرایی



سرشناسنامه: فخرایی، یوسف ۱۳۴۵ -
 عنوان و پدیدآور: جستاری در نقد ادبیات نمایشی
 مولف یوسف فخرایی؛ [حوزه هنری گیلان]
 مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص.
 شابک: ۰ - ۶۲۳ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 موضوع: نمایشنامه -- تاریخ و نقد
 شناسه افزوده: حوزه هنری (گیلان)
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف ۳ / ف ۱۷۰۷ PN
 رده‌بندی دیویی: ۸۰۹ / ۲
 شماره کتاب‌خانه ملی: ۵۱۶۹۳۵۷



فرهنگ ایلیا

● جستاری در نقد ادبیات نمایشی	● یوسف فخرایی
● چاپ نخست: ۱۳۹۸	● شمارگان: هزار نسخه
● شماره نشر: ۷۲۳	● شماره نشر: ۷۲۳
● نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا	
● ویراستار: مینو امیر	● طرح روی جلد: نسرين سخايي
● همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.	
● شابک: ۰ - ۶۲۳ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸	
● نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹	
● تلفن: ۳۳۳۴۴۷۳۳ ۳۳۳۴۴۷۳۲ ۰۱۳ -	● دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ ۰۱۳ -
www.farhangeilia.ir	Email:nashreilia@yahoo.com

فهرست

۷	یادداشت حوزه هنری گیلان
۹	مقدمه
۱۱	طرح بهروایت مسیح
۲۱	ادیپ، ازدهای شاد (شادی در نبرد تقابل‌ها)
۴۱	پینتر و جعبه‌ی پاندورا (امید، هراس و سکوت)
۶۹	کلفت‌ها (بازی در بازی وجودی انسان معاصر)
۸۳	آخر بازی (روشنایی آغازین، تاریکی واپسین)
۹۷	تشنگی و گشنگی (کمدی الهی انسان معاصر)
۱۱۵	بررسی نشانه‌شناختی داستان (گراکوس شکارچی)
۱۲۹	تعهد، آزادی و حقیقت در تئاتر (اگزستانسیالیستی)
۱۶۳	نیچه، زندگی، تراژدی و درام دیونیزوسی

منتقد، یک خواننده‌ی دقیق و دارای تعهد و آرمان است. (نورتروپ فرای)

جستارهایی در نقد ادبیات دراماتیک، ادای دینی است نخست به ادبیات. از این رو که آن را چنان فرای^۱ ۱۹۱۲-۱۹۹۱ م مکاشفه‌ای می‌دانم انسانی. سخن انسان است با انسان و در آن ژرف‌ترین لایه‌های معنا با فرمی زیبایی‌شناسانه برما آشکار می‌شود. کلام نویسنده است حتی آن زمان که از ترس‌هایش می‌گوید و نیازها و درماندگی‌ها و وحشت‌هایی که او را درهم می‌پیچد. کشف حیات تب‌آلود ماست در جهانی بی‌اعتنا به تب‌زدگی ما. و پرتاب ما بر مدار شعور جمعی است تا پیش از ویرانی‌های بزرگ، به درمان‌های بزرگ بیندیشیم. و دیگر، حرمت‌گذاری است بر نقد؛ چراکه اگر ادبیات، شهودی انسانی است، حضوری می‌باید تا از این مکاشفه پرده بردارد، آن را شفاف کند، ژرفای درون آن را بر ما آشکار سازد و ما را تا حد ادراک عمیق این مکاشفه ارتقا دهد و از داوری نهایی بشر آگاه کند. بر این اساس نویسنده و منتقد در امتداد یکدیگرند. نیروهای خلاق و آگاهی‌بخشی که وظیفه‌ی کشف و دریافت حقیقت و بازتاباندن آن را در جهان خاموشی که ما را احاطه کرده است برعهده دارند.

بی‌نویسنده مکاشفه‌ای رخ نخواهد داد. ادیب همچنان در ساخت اسطوره می‌ماند و در قلمرو ادبی شکوفا نمی‌شود تا با ما از رنج و سرنوشت بشری سخن بگوید. ما در سویه خاموش واژه می‌مانیم بی «بکت»، حتی آن‌زمان که با ما از گستردگی تاریکی و سکوت پردرد آدمی بسیار سخن می‌گوید، یا از ترس‌ها و وهم‌هایی که ما را درهم می‌شکنند؛ آن‌طور که پینتر و کافکا آن را برای ما مجسم می‌کنند. بی‌نویسنده در همه‌ی گنگ حروف و اصوات در جهانی بی‌نام و نشان رها خواهیم شد و بی‌منتقد امکان آگاهی از این مکاشفه را از دست خواهیم داد؛ آن‌گونه که نیچه دریچه‌های ادراک دیونیزوسی حقیقت را بر ما گشود و برشت یاریمان کرد تا در پس قاعده، استثناء را ببینیم و تعهد نگاه اگزیستانسیالیستی سارتر ما را سختگیرانه متوجه خلق و کشف هنرمند و آفرینش ادبی اصیل و معنادار نمود. بی‌منتقد واژگان در اعماق سخت دشواریاب کشف و شهود نویسنده باقی می‌مانند، بیش‌تر فراموش می‌شوند و خواننده بی‌هیچ سهمی از این کلام انسانی و مکاشفه‌ی ژرف در فقدان چرخه‌ی خلاقه‌ی ادبی در جهان بی‌دعوت رها خواهد شد.

بدون ادبیات و نقد، در جهان بی‌اعتنا به حقیقت، ادبیات ژرفی وجود نخواهد داشت و نقد آگاهی‌بخش رشد و نموی نخواهد کرد. در جهان بی‌نقد ادبیات، مکاشفه‌ای خواهد ماند در خود، بریده از زمان، و سرانجام تجزیه شده در زمان. اما اینک من می‌اندیشم که جهان بی‌ادبیات، بی‌مکاشفه‌ای ژرف چگونه می‌تواند باشد؟

در پایان بر خود ضرورت می‌دانم از حوزه هنری گیلان و همه‌ی دوستان بزرگوار که تلاش انسانی و پاکشان به چاپ این نوشتارهای پراکنده به‌صورت کتابی مستقل یاری رساند، نهایت سپاسگزاری را داشته باشم.